



فرانک آرتا

علی عطشانی، کارگردان جوان سینمای ایران این روزها دو فیلم بر پرده سینماها دارد: «تلفن همراه رییس‌جمهور» و «آقای الف».
اولی فیلمی با طنز سیاسی و دومی فیلمی سه‌بعدی او این شانس را دارد که هم‌زمان هر دو فیلمش در سینماها اکران شود، در حالی که خیلی از فیلم‌ها در صفا اکران قرار دارند و هنوز نتوانشان نرسیده است. گفت‌وگوی پیش‌رو درباره فیلم «تلفن همراه رییس‌جمهور» و حواشی آن است، عنوانی که مخاطب را برای دیدن وسوسه می‌کند.

❖ چرا در دورای که چالش‌های اجتماعی و سیاسی زیادی وجود داشت، فیلمنامه «تلفن‌همراه رییس‌جمهور»ا ساختید. چه چنابیتی برای شما داشت؟
زمانی که این فیلمنامه را برای ساخت انتخاب کردم، اصلا بحث انتخابات در میان نبود. هر چند که همیشه سعی می‌کنم فیلمنامه‌هایی را انتخاب کنم که حرف‌های روز را مطرح کند تا مردم بتوانند این حرف‌ها را روی پرده سینما ببینند. زمانی که طرح فیلمنامه آقای جابر قاسمی را خواندم جدای از اینکه قضا و زمان داستان مناسب بود یا نه، احساس کردم فیلمنامه خوبی است و در آن حرف‌های خوبی زده شده که مردم دوست دارند بشنوند. ❖ فیلم شما را جاعتاتی دارد که مربوط به دوره ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد است. چرا؟
بعد از خواندن فیلمنامه، از آقای قاسمی خواستم که فیلمنامه را به‌روز کنند. مثلا خیلی چیزها در فیلمنامه به صورت صدقایی و تاکیدی درآمد. گوش بازیگرها شمالی شد. چون می‌خواستم کلی گویی نکنم و انتقادها مشخص و مستقیم باشد و ارجاعتی که در فیلم است به شخص رییس‌جمهور مربوط می‌شود.

❖ البته تهیه‌کننده فیلم آقای محسن علی‌اکبری جزو سینماگران موافق آقای احمدی‌نژاد هستند پس در بدو این فیلم نمی‌توانست شکل نهاده بگیرد. به همین دلیل، سعی کردید فیلم شکل مردمی‌تر به خود بگیرد؟
اصلا این‌طور نبود. ابتدا از آقای قاسمی فیلمنامه را خریداری کردم و بعد سراغ آقای علی‌اکبری رفتم. چون باید کسی تهیه‌کننده این فیلم می‌شد که مورد اعتماد سیستم باشد. از همه اینها گذشته، من ایشان را به‌عنوان یکی تهیه‌کننده خوب و خوشنام می‌شناسم. منتها برآورد آن و نتیجه کار مهم است. اینکه یک فیلم از اول تا آخر انتقادهایی به شخص رییس‌جمهور داشته و با کمترین اصلاحات اکران شد

❖ به نظر می‌رسد از این نظر فیلم تلطیف شده است. چرا؟

چون شما فیلم را در جشنواره فیلم فجر دیدماید، اینگونه نظر می‌دیدید. نسخه جشنواره تلطیف شده و خیلی نقد ندارد ولی در نسخه اکران عمومی فیلم تدوین مجدد شد و نقدها صریح‌تر شده است.

❖ چرا دو نسخه فیلم با هم فرق می‌کند؟

ببینید اصل انتقاد فیلم، تماس‌هایی است که گرفته می‌شود که الان کلا این تلفن‌ها عوض شده و فیلم مجددا صداگذاری شده است. حالا من از شما یک سوال دارم در طول فیلم وقتی در مورد سمهرار میلیار اختلاس صحبت می‌شود انتقاد نیست؟
حالا هم در صحبت کردن ملاحظه کنید. چرا؟

من می‌دانم پاسخ این سوال‌ها را می‌دانید، اما می‌خواهید جواب را از زبان من بشنوید. چون هر چیزی که درباره‌اش فکر می‌کنیم و به آن اعتقاد داریم، بیشتر اوقات نمی‌توانیم بازگو کنیم و این طبیعی است. من در این کشور زندگی می‌کنم و فیلم می‌سازم و باید با قوانین و قواعد کنونی همخوان باشم. اگر کسی نمی‌خواهد همخوان باشد باید از ایران برود. همین قوانین تا جایی اجازه حرف زدن را به شما می‌دهد اما در مورد فیلم باید بگویم فیلم من بیانیه سیاسی یا ماتمیست نیست. اصل فیلم درام است. وقتی فیلم می‌سازم در چه شری ببنده دارم. طرفدار دولت و مخالف آن را می‌بینند. پس ما باید با یک تیزهوشی کار کنیم و حرفمان خیلی رو نباشد. در جایی از فیلم گفته می‌شود آقای رییس‌جمهور بین در کنار این چاه نفت مردم روی حصیر می‌خوابند. نمی‌دانم منظور شما از انتقاد تندتر چیست؟ انتقاد تندتر از این، توهمین است که در حیطه کاری من نیست.

❖ اما شخصیت مهدی هاشمی سمپاتی ایجاد می‌کند و شما ایشان را به عمد انتخاب کردید.

قطعا همین‌طور است. اصلا پا را فراتر از این می‌گذارم. بنده در فیلم «تلفن همراه رییس‌جمهور» به دولت آقای احمدی‌نژاد انتقاد وارد کردم. فیلم من انتقادی به فضای سیاسی است البته با حسن تشخیص و حسن برخورد. سعی کردیم در نحوه بیان انتقادها بی‌حرفتی صورت‌نگیرد.

علی عطشانی، کارگردان فیلم در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

پشت پرده تعویق اکران «تلفن همراه آقای رییس‌جمهور»

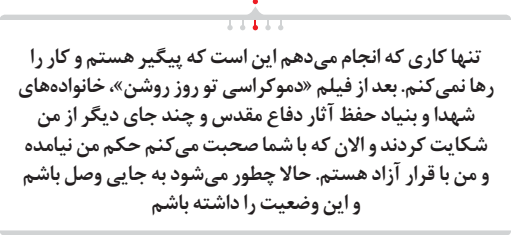


عکس: آیدین رحیم شرق

❖ چگونه می‌شود در دورای که هر فیلمساز خوبی به‌راحتی تهیه‌کننده پیدا نمی‌کند، شما می‌توانید فیلم‌هایی بسازید و هم‌زمان هم دو فیلم از شما در سینماها اکران شود. برک زنده شما چیست؟

این سوال را همه از من می‌پرسند. چون خدا لطف کرده و در چند سال گذشته توانستم چند کار ارایه کنم و به‌خصوص در فیلم آخرم «تلفن همراه رییس‌جمهور» که در شرایط خاصی ساخته شد. منتها شما ادب را رعایت کردید و محترمانه پرسیدید. اما خیلی‌ها از من می‌پرسند تو به کجا وصلی؟ چه کسی شما را حمایت می‌کند؟

❖ همیشه هم همین‌طور نبودید. چون فیلم «در امتداد شهر» اصلا فیلم خوبی نبود.
باور می‌کنید خودم این فیلم را هنوز ندیده‌ام. این پاسخ کافی نیست؟ به هر جهت از روزی که فیلمسازی را شروع کردم تا به امروز نه با کسی ارتباط داشته‌ام و دارم و نه می‌خواهم داشته باشم. تمام فیلم‌هایم با هزینه شخصی ساخته شده یا افرادی را مجاب کردم که سرمایه‌گذاری کنند. برای ساخت فیلم «تلفن همراه رییس‌جمهور» سه چهار ماه در گیر جذب سرمایه‌گذار بودیم. سرمایه‌گذار فیلمم دوست آقای علی‌اکبری در بخش خصوصی هستند. زمانی که فیلمنامه «تلفن همراه رییس‌جمهور» را خریدم به شوری پروژه ساخت ارایه دادم. اما چهارپار رد شد. منتها به جای اینکه مثل خیلی‌ها دیگر مصاحبه کنم و جنجال راه بیندازم،



تنها کاری که انجام می‌دهم این است که پیگیر هستم و کار را رها نمی‌کنم. بعد از فیلم «دموکراسی تو روز روشن»، خانواده‌های شهدا و بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس و چند جای دیگر از من شکایت کردند و الان که با شما صحبت می‌کنم حکم من نیامده و من با قرار آزاد هستم. حالا چطور می‌شود به جایی وصل باشم و این وضعیت را داشته باشم

می‌فتم پشت در اتاق آقای سجادیور می‌نشستم. می‌گفتم اگر کار ایراد دارد به من بگوید. ایراد را حل می‌کنم. روز اول رفتم به اتاق آقای سجادیور و گفتم یک فیلمنامه داده بودم که رد شده علت چیست؟ ایشان به من گفت برو هر فیلمنامه دیگری که می‌خواهی بیاور، ولی به این کار پروانه نمی‌دهیم. هر فیلمساز دیگری جای من بود و با این صراحت این حرف را می‌شنید. منصرف می‌شد. اما گفتم می‌خواهم بدنام ایرادها چیست. آن زمان آقای رسولیان دبیر شورا بود. نزد ایشان رفتم که ایرادها را بگیرم و منتج شد به اینکه سه بار دیگر ایرادها را گرفتم تا پروانه آماده شد. تنها کاری که انجام می‌دهم این است که پیگیر هستم و کار را رها نمی‌کنم. بعد از فیلم «دموکراسی تو روز روشن»، خانواده‌های شهدا و بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس و چند جای دیگر از من شکایت کردند و الان که با شما صحبت می‌کنم حکم من نیامده و من با قرار آزاد هستم. حالا چطور می‌شود به جایی وصل باشم و این وضعیت را داشته باشم.

❖ البته منکر توانایی شما در جلب مشارکت دیگران نیستم.

کارگردانی در ایران با هالیوود فرق دارد. در هالیوود کارگردان تکنسین است که یک کمپانی او را دعوت به کار و حقوقش را هم پرداخت می‌کند. ولی در ایران یک کارگردان باید روانشناس باشد، وضعیت جامعه را بشناسد، بتواند تهیه‌کننده خوب پیدا کند. و در همین فیلم شما کجا سراغ دارید که یک کارگردان اول فیلمنامه را بخرد و بعد دنبال تهیه‌کننده برود؟

سینما

یک برداشت

داوران اصلی



فرزانه ابراهیم‌زاده

ایسن روزها اگر در خیابان‌های شهر گذر کنید بیلبرودهای تبلیغاتی دو فیلم بیشتر از بقیه به چشم‌تان می‌خورد. «حوض‌نقاشی» به کارگردانی «هازیار میری» و «برف روی کاج‌ها» به کارگردانی پیمان معادی. دو فیلم مستقل که یکی فیلمش را با حمایت حوزه هنری ساخته و دیگری اولین فیلمش را بخش خصوصی تهیه کرده است. پای تبلیغات هر دو فیلم یک جمله مشترک است: «برنده سیمرغ بلورین انتخاب بهترین فیلم از نگاه مردم.»
ایسن یعنی هر دو فیلم بسا رای داورانی سیمرغ گرفته‌اند که انتخابشان را فارغ از دعوای صنفی، سیاسی و دخالت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صندوق انداخته‌اند. هر دو فیلم داستان قابل تاملی دارند و به یکنسبت توسط گروه‌های مختلف نقد شده‌اند. منتقدانی که برف روی کاج‌ها را متهم به سست نشان دادن بنیان‌های خانواده کرده‌اند، حوض‌نقاشی را پس‌رفت به دهه ۶۰ می‌دانند و داستان آن را به نمایش غریب‌وقی کاژن خانواده متهم کردند. در هر دو فیلم بازیگران شناخته‌شده‌ای بازی کرده‌اند و شاید همین نقاط اشتراک هم باعث شده است سرنوشت هر دو فیلم شبیه به هم شود. برف روی کاج‌ها به دلیل نحوه برگزاری جشنواره و برخی ملاحظات سیاسی و حواشی غیرهنری، جز جایزه مردمی، سیمرغ دیگری از جشنواره سی‌ام روی شانه‌اش ننشست. حوض‌نقاشی هم با وجود رای مثبت از سوی منتقدان جایزه دیگری از جشنواره سی‌و یکم نگرفت. یک دلیل ساده هم داشت: تهیه‌کننده حوض‌نقاشی، حوزه هنری بود که یک سال فیلم «برف روی کاج‌ها» را تحریر کرد و اجازه اکران آن و چهار فیلم دیگر را در سینماهای زیرمجموعه نداد. در نهایت هم برف‌روی کاج‌ها در حالی اکران شد که حوزه هنری با همه رازنی‌ها و وساطت‌های مقامات بالاتر از وزارت ارشاد اجازه اکران فیلم را در سینما آزادی نداد و فیلم در سینماهای پراکنده به پرده نقرای رفت. هر دو فیلم در اکران تقریبا موفق بودند و با استقبال مخاطب روبه‌رو شدند.

اما جدا از انرژی که عوامل هر دو فیلم – به‌خصوص برف‌روی کاج‌ها – برای اکران این فیلم‌ها صرف کردند، نادیده گرفتن هر دو فیلم در بخش مسابقه جشنواره بود. این دو فیلم در دو شرایط متفاوت با ویژگی‌های مشترک، قربانی حاشیه‌هایی شدند که ربطی به محتوای آنها نداشت. اتفاقی که برای سینمای مستقل ایران خبر خوشی نیست و حتی می‌تواند فیلمسازان مستقل را نیز روبه‌رو هم قرار دهد.

❖ اگر ساختار فیلم طنز نبود باز هم می‌توانستید این فیلم را بسازید؟

فیلمنامه اولیه لایه طنز را داشت ولی در کارگردانی سعی کردم این طنز را بیشتر کنم. دلایلش این نبود که بتوانیم راحت‌تر صحبت کنیم، دلایل این بود تا فیلم با مخاطبان بیشتری ارتباط برقرار کند. فیلم طنز می‌تواند در آرام کردن افراد کمک‌کننده باشد.

❖ چگونه مهدی هاشمی را برای بازی متقاعد کردید؟

اولا اینکه خوشحالم با ایشان کار کردم. دوم اینکه وقتی با ایشان تماس گرفتم، زمانی بود که در گیر کار دیگری بود. منتها خواستند فیلمنامه را بخوانند. بعد از خواندن فیلمنامه قرارداد بستند. فیلمنامه ایشان را جذب کرد. در مراحل پیش‌تولید جلسات متعددی برای دور خوئی داشتیم. از ۱۰ صبح تا هشت شب، من، آقای اکبر عبیدی، آقای هاشمی و خانم جعفری در خروانی داشتیم و خانم جعفری هشت شب به کلاس آموزش زبان گوش‌رشتی می‌رفت و بعد فردا ایرادها را برطرف می‌کرد. انگار همه با هم یک جورهایی متحد بودند که این حرف‌ها را در فیلم بزنند.

❖ اما حواستان به گیشه هم هست. به هر حال مسایل را دقیق رصد می‌کنید.

همه این حرف‌ها که می‌زنید در ست است. اما قبل از همه اینها لطف خداست که شامل حال من است. اگر من الان در این جایگاه هستم نسبت به این جایگاه مسؤول هستم و باید جاولگو باشم

ادامه در صفحه ۱۱

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۸	۷	۵	۴		
۱	۹	۶		۵	
	۴	۷			۲
۲					
۶	۷	۸		۳	
			۱		
		۸	۳		۹
	۱			۶	
					۷

سودوکو سخت ۳۶۱

حل سودوکو سخت

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴
۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددنمایی بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۱۲

حل سودوکو ۷۱۱

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴
۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴
۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

کلوزآپ

نکاتی درباره «قاعده تصادف»

قاعده زندگی من و تو

نیوشا ستاری

قاعده تصادف، حکایت یک روز قبل از سفر یک گروه جوان و آماتور تئاتر و شرکت در یک جشنواره خارجی است. اکثر اعضای گروه در مورد ماهیت سفر به خانواده‌هایشان دروغ گفتند به‌جز شهرزاد و حالا به تبع همین حقیقت‌گویی، ادامه داستان شکل می‌گیرد. فیلم از جایی شروع می‌شود که شهرزاد در حال ایفای نقش خود در نمایش است. همین سکانس آغازین، کل داستان فیلم را در خود جای می‌دهد. شهرزاد از نوع خودکشی و همچنین از جزیره‌ای که در آن زندگی می‌کند صحبت می‌کند. در واقع داستان تئاتر اعضای گروه، به موازات داستان فیلم است که این داستان روایتگر درونیات آنهاست. شهرزاد چون به پدرش حقیقت را گفته، پدر به او اجازه رفتن نمی‌دهد. گره اولیه داستان در همین‌جا شکل می‌گیرد. شهرزاد بعد از پیداکردن گذرنامه‌اش به محل تمرین بازمی‌گردد و تصمیم می‌گیرد بدن اجازه پدرش همراه گروه به این سفر برود. اما پدر به همراه عمو به آنجا می‌آیند و او را با خود می‌برند. اکنون شهرزاد رفته و گروه بازیگر نقش اولش را از دست داده است. از اینجا روایت تا عنصر تازمای روبه‌رو می‌شود: «حذف». حذف شهرزاد که چالش جدیدی را در گروه ایجاد می‌کند. به تبع همین وضعیت، دوگانگی‌ای بین اعضا به‌وجود می‌آید و مخاطب با معانی‌ای چون اخلاق، وجدان و رفاقت روبه‌رو می‌شود. این حذف هم به عنوان گره ثانویه، خود را نشان می‌دهد. ایجاد همین گره‌های به موقع، ریتم داستان را شکل می‌دهد و رفتن شهرزاد هم ریتم تازمای را به داستان تزریق می‌کند. روایت روی همین اوج و فرودهای منطقی و ریتم منظم جلو می‌ود که مهم‌ترین نقطه قوت «قاعده تصادف» است. اما در مقابل، داستان با مشکل بزرگی دست به گریبان بوده و آن، نداشتن شخصیت‌پردازی منسجم است. شخصیت‌ها با اینکه دارای هدف، مقصود و انگیزه لازم هستند، ولی به‌خوبی پرداخته نشده‌اند و تا حدودی سرگردان باقی مانده‌اند. امیر با اینکه سرپرست گروه است و نقش بزرگی را به دوش می‌کشد ولی خیلی منفعل باقی مانده و کار خاصی از او سر نمی‌زند. شخصیت‌های دیگر هم مثل بردیا یا لاتکیلیف هستند و برای ابراز خود، دست به دامن یکسری دیالوگ‌های غلو شده می‌شوند: «تو تا حالا به آدمی رو دیدی که به خاطر مامانش مجبور شه بره مهندسی، به‌خاطر رتیش مجبور شه بره معدن؟» اینگونه دیالوگ‌های بیشتر جنبه شعار گونه دارند که به مذاق مخاطب زیاد خوش نمی‌آیند یا حضور



مهراد نیز توجیه دراماتیکی ندارد. گویی تنها شخصیتی که هدفمنداست و برای رسیدن به هدفش تلاش می‌کند و در این راه دیگر اعضای گروه را هم با خود همراه می‌کند، شهرزاد است و سایر افراد تنها برای شکل دادن به شخصیت او در داستان گنجانده شده‌اند.

مشکل دیگری که فیلم را تهدید می‌کند، آلوده‌شدن آن به «ساتی‌مانتالیسم» است. فیلم به شدت پتانسیل این را دارد که به احساسات‌گرایی افراطی مبتلا شود اما فیلمنامه قدرت خود را نشان می‌دهد و از این مهلکه جان سالم به در می‌برد. هیچ قطب مثبت و منفی مطلق و یا به اصطلاح آنتاگونیست و پروتاگونیستی در روایت وجود ندارد. مخاطب دیگر مجبور به همذات‌پنداری و یا قضاوت نیست، بلکه او قرار است با یک دید انتقادی به نمایش بنشیند. بین او و اثر فاصله‌ای وجود دارد که او را ملزم به تفکر می‌کند و در پایان هم مابین پدر و گروه می‌ماند.

قاعده تصادف شاید در دل خیلی از جوان‌های ایرانی باشد، جوانی که همواره به دنبال آرزمانی است. پرتاب یکباره او از دنیای آلوده به یک سنت دیرینه، به وضعیتی که گنجایش تحمل این سنت‌های تعریف‌شده را ندارد، او را به موجودی آواره تبدیل کرده است. سرگردان بین خواستن و نخواستن، سنت مدام دچار تغییر دیالکتیکی است. حال سوال این است که این جوان هنگام روبه‌روشدن با این سنت درحال تغییر چه باید بکند؟ آیا باید تفسیر خود را از آن در نظر بگیرد یا به همان «آرکی‌تایپ»‌های تحمیل‌شده تن دهد؟ او باید با زندگی خود در دو چمنان، بگریزد یا بماند؟

بازتاب

روزهای سینمای ایران در شهر «قابس» تونس بر گزار شد

بابرپایی «روزهای سینمای ایران» در شهر قابس تونس، یکبار دیگر سینمای ایران به پرده نقره‌ای کشور تونس جان داد. روزهای سینمای ایران طی روزهای ۲۶ تا ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲ در چهار بخش فیلم‌های بلند سینمایی، مستند، کوتاه و انیمیشن و همچنین برگزاری دو کارگاه آموزشی در زمینه فیلم‌نامه‌نویسی و ساخت فیلم مستند با حضور محسن دامادی و دانشجویان و علاقه‌مندان تونس، در شهر قابس این کشور برگزار شد.

در این برنامه، میزگردی هم در خصوص دلایل موفقیت سینمای ایران و وضعیت کنونی آن نسبت به سینمای جهان، با حضور منتقدان و سینماگران تونس، برپا شد.

فیلم‌های به نمایش درآمده در برنامه «روزهای سینمای ایران» هم به این شرح بودند:

- فیلم‌های سینمایی: «برخورد خیلی نزدیک» به کارگردانی اسماعیل میهن دوست، «خانواده ارنست» به کارگردانی محسن دامادی، «طاووس‌های بی‌پر» به کارگردانی جواد مزداآبادی
- فیلم‌های کوتاه: «کوسرو» ساخته امید عبدللهی، «فیلوله» ساخته نیما جوادید، «حلیمه» ساخته طاهره حسن‌زاده
- فیلم‌های پویانمایی: «شهر خاموش» ساخته امیر مهران، «عکس» و «زنی زیر بیخ‌ها آواز می‌خواند» ساخته مریم خلیل‌زاده
شایان ذکر است، در روز نخست نمایش فیلم‌ها، گروه‌های تندرو سلفی با اجتماع و اختلال در محل نمایش فیلم‌ها، اقداماتی انجام دادند که این امر با واکنش وزارت فرهنگ تونس در حمایت از نمایش فیلم‌ها و با دخالت مسوولان امنیتی و انتظامی خاتمه یافت.